

ارتباط تعداد احادیث مفرد یک اثر حدیثی با اعتبار راویان اثر

(مورد پژوهی: المعجم الاوسط طبرانی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

مجید معارف^۱
حسین رضایی^۲

چکیده

علمای حدیثی اهل سنت، با احادیثی که فقط از طریق یک راوی نقل شده، با احتیاط برخورد کرده‌اند؛ چنان‌که مالک در این باره می‌گوید: «شرالعلم الغریب، وخیر العلم الظاهر الذی قد رواه الناس». اگر از یک راوی، تعداد قابل توجهی حدیث مفرد نقل گردد، موضوع تردید در وثاقت راوی قابل طرح است. هدف این پژوهش - که به روش توصیفی و پیمایشی انجام شده - پاسخ به این سؤال است که آیا با افزایش تعداد روایات مفرد، تغییر معناداری در وثاقت روایان این روایات ایجاد می‌شود یا خیر؟ جامعه آماری این تحقیق شامل ۹۴۸۹ روایت موجود در المعجم الاوسط طبرانی است که از این تعداد، ۳۶۹ روایت به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و تعداد روایت مفرد هر راوی، به انضمام اعتبار وی، از طریق آنالیز واریانس یک طرفه و با استفاده از روش LSD (جهت یافتن تغییرات معنادار) و نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش تعداد روایات مفرد (از پنج روایت به بالا)، میانگین اعتبار روایان این احادیث به طور معناداری کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: حدیث مفرد، اعتبار راوی، المعجم الاوسط طبرانی، تحلیل آماری، آنالیز واریانس یک طرفه.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (maaref@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (hossein.reza.364@gmail.com).

مقدمه و بیان مسأله

یکی از اقسام خبر، حدیث مفرد است که در دو نوع مطلق و نسبی دسته‌بندی می‌شود. مفرد مطلق به خبری گفته می‌شود که راوی آن، در نقل حدیث، منفرد باشد.^۱ به بیان دیگر، مفرد مطلق، حدیثی است که در طبقه اول^۲ یا برخی از طبقات خود منحصر به نقل راوی خاص بوده و دیگر راویان آن را روایت نکرده‌اند. مفرد نسبی، حدیثی است که تفرد در اثنای سند اتفاق بیفتد^۳ و یا به حدیثی گویند که به صفت خاصی نسبت داده می‌شود؛^۴ به عنوان مثال، حدیثی که اهل یک شهر آن را نقل کرده باشند.^۵ عده‌ای از دانشمندان حدیثی شیعه^۶ و سنی نیز در تقسیم‌بندی دیگری، حدیث مفرد را معادل حدیث غریب دانسته و برای آن تقسیماتی را از قبیل: غریب در متن، غریب در سند و یا هر دو در نظر گرفته‌اند؛^۷ هر چند برخی دیگر، بین این دو اصطلاح حدیثی (مفرد و غریب) تفاوت اندکی، از حیث کثرت و قلت استعمال قایل شده‌اند و اصطلاح مفرد را بیشتر بر مفرد مطلق اطلاق کرده و اصطلاح غریب را بیشتر مفرد نسبی دانسته‌اند.^۸

برخی از علمای حدیثی اهل سنت قایل به آن هستند که لازم است در حدیث مفرد توقف نموده و به آن احتجاج نشود؛ به عنوان مثال، خلیلی درباره خبر مفرد ثقه می‌گوید:

در احادیث مفرد، آنچه از راویان موثق نقل شده، باید در آن توقف نمود و به آن احتجاج نمی‌شود.^۹

قاسمی در این باره می‌گوید:

غالب این احادیث غیر صحیح بوده و به همین دلیل، جمعی از علمای حدیث از تتبع در آن کراهت دارند. از مالک نقل است که گفته: بدترین علم، همین احادیث هستند و

۱. قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، ص ۱۲۸

۲. تیسیر مصطلح الحدیث، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۰.

۴. قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، ص ۱۲۸

۵. الرعایه فی علم الدرایه، ص ۱۱۵

۶. درایه الحدیث، ص ۵۲.

۷. علوم الحدیث ومصطلحه، ص ۲۲۶، قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، ص ۱۲۵؛ درایه الحدیث، ص ۵۲.

۸. علوم الحدیث ومصطلحه، ص ۲۲۶.

۹. وَمَا كَانَ عَنْ ثِقَةٍ تُؤَقَّفُ فِيهِ، وَلَا يُحْتَجُّ بِهِ (تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۲۶۷).

بهترین علم احادیث ظاهری هستند که جمعی از مردم آن‌ها را نقل کرده‌اند.^۱

احمد بن حنبل نیز در این باره می‌گوید:

از نوشتن این احادیث غریب بپرهیزید؛ که اکثراً منکر بوده و غالباً از راویان ضعیف نقل شده است.^۲

اما به هر حال، روایات مفرد نیز شامل صحیح، حسن و ضعیف بوده و لذا محققان، مجرد تفرد راوی را (در صورتی که ثقه باشد) موجب رد حدیث ندانسته و لذا حدیث مفرد را جزء اصطلاحات مشترک در مصطلح الحدیث مطرح نموده‌اند.

آنچه که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که اگر از یک راوی تعداد قابل توجهی حدیث مفرد نقل گردد، این سؤال مطرح خواهد شد که چگونه ممکن است این احادیث را راوی دیگری نشنیده باشد؟ از این روست که شاید بتوان در وثاقت وی تردید نمود. هدف این پژوهش پاسخ به این ادعا بوده و سؤال تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که آیا با افزایش تعداد روایات مفرد یک راوی، تغییر معناداری در وثاقت روایان این روایات ایجاد می‌شود یا خیر؟ المعجم الاوسط طبرانی - که غالب احادیث آن مفرد است - نیز به عنوان اثر حدیثی مورد پژوهش انتخاب شد.

لازم به ذکر است بررسی سوابق مطالعاتی موضوع، نشان دهنده جدید بودن آن، در بین پژوهش‌های صورت گرفته است (در داخل یا خارج).

«المعجم الاوسط» طبرانی

معجم به کتاب حدیثی گفته می‌شود که روایات در آن به ترتیب صحابه یا شیوخ یا بُلدان جمع‌آوری شده و احادیث آن به ترتیب حروف تهجی آورده شود.^۳

سلیمان بن احمد طبرانی از علمای اهل سنت است که دارای سه معجم «الکبیر»، «الاوسط» و «الصغیر» است. معجم متوسط کتابی است که طبرانی روایات آن را به ترتیب اسامی مشایخ خود مرتب ساخته و از هر استاد تا حدود پنجاه روایت نیز نقل می‌نماید. ابوزهو می‌گوید:

۱. و الغالب أنه غیر صحیح ومن ثم کره جمع من الأئمة تتبعها. قال مالک: «شر العلم الغریب، وخیر العلم الظاهر الذی قد رواه الناس (همان).

۲. لَا تَكْتُبُوا الْغَرَائِبَ فَإِنَّهَا مَنَاقِبٌ وَغَالِبُهَا عَنِ الضُّعَفَاءِ (التقریرات السنیه شرح المنظومة البیقونیه فی مصطلح الحدیث، ص ۶۵).

۳. درایه الحدیث (شانه‌چی)، ص ۲۰۶.

نقل شده که این کتاب دارای سی هزار روایت بوده^۱ که طبرانی آن را از دو هزار تن از اساتید خود شنیده است.^۲

کتابی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، به تحقیق «طارق بن عوض الله» و «عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی» و شامل ۹۴۸۹ است.

همچنین نقل است که طبرانی در باره معجم متوسط خود می‌گوید:

هذا الكتاب روعي.

علت این علاقه را زحمت و تلاش فراوان وی در تدوین کتاب دانسته‌اند.^۳

روش طبرانی در این کتاب به این صورت است که پس از درج هر حدیث، توضیحاتی درباره طرق حدیث و راویان آن درج کرده و سعی نموده که بیشتر این روایات از متفردات مشایخ خود باشد. به همین منظور، غالب احادیث آن مفرد بوده و لذا روایات این کتاب به عنوان جامعه آماری این تحقیق مورد پژوهش قرار گرفته است.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی است. تحقیقات بنیادی تحقیقاتی هستند که هدف از آن‌ها آزمون نظریه‌ها، تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در یک زمینه خاص است.^۴ برای گردآوری داده‌ها، روش توصیفی-پیمایشی به کار گرفته شده است. همچنین در تحلیل داده‌های به دست آمده در تحقیق نیز از نرم افزار تحلیل آماری SPSS استفاده شده است. با توجه به جدید بودن این روش در تحقیقات مربوط به علوم حدیثی، سعی می‌شود توضیحاتی بیشتر درباره روش به کار رفته، در پاورقی قید گردد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ۹۴۸۹ روایت کتاب المعجم الاوسط طبرانی است. با توجه به این که بررسی همه این روایات با توجه به وقت بسیار زیادی نیازمند بوده و مقدور نیست، لذا باید تعدادی از احادیث این اثر به عنوان جامعه نمونه مورد بررسی قرار گیرد.^۵ لازم است

۱. الحدیث و المحدثون، ص ۴۲۸.

۲. تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، ص ۱۵۷.

۳. الحدیث و المحدثون، ص ۴۲۸.

۴. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۷۹.

۵. چنان‌که در اکثر مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در علوم مختلف نیز به همین سبک عمل می‌شود. برای توضیح بیشتر باید گفت که جامعه آماری و نمونه آماری یکی از مباحث اولیه در تحقیقات بوده و پژوهش‌گران سعی می‌کنند آنچه را از بررسی گروه نمونه به دست آورده‌اند، به گروه‌های مشابه بزرگ‌تر یا جامعه آماری تعمیم دهند ←

تعداد این نمونه به حدی باشد که بتوان نتیجه حاصل از بررسی آن‌ها را به کل اثر حدیثی مورد بررسی (المعجم الاوسط) تعمیم داد. به بیان دیگر، این نمونه باید معرف جامعه (کل احادیث المعجم الاوسط) بوده و برانزده آن باشد. به همین منظور، در مطالعات علوم انسانی برای تعیین حجم نمونه، از فرمول‌های تعیین حجم استفاده می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فرمول تعیین حجم نمونه کوکران است. حجم نمونه با استفاده از این فرمول به شکل زیر تعیین گردید:

$$n = \frac{\frac{Z^2 \times p \cdot (1-p)}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 P \cdot (1-p)}{d^2} - 1 \right)} \quad n = \frac{\frac{1.96^2 \times 0.5 \cdot (1-0.5)}{0.5^2}}{1 + \frac{1}{9489} \left(\frac{1.96^2 \cdot 0.5 \cdot (1-0.5)}{0.5^2} - 1 \right)} = 369$$

در فرمول بالا n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری (۹۴۸۹ حدیث)، d مقدار اشتباه مجاز در تحقیق (در مطالعات علوم انسانی ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود)، Z مقدار متغیر نرمال (در مطالعات علوم انسانی مقدار Z برای سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶ است) و p نسبت برخورداری از صفت مورد نظر است (در مطالعات علوم انسانی آن را ۰/۵ در نظر می‌گیرند). بر این اساس، حجم نمونه، ۳۶۹ روایت از کتاب المعجم الاوسط تعیین می‌گردد که با روش تصادفی ساده^۱ انتخاب می‌شوند.

ابتدا صحت این احادیث از لحاظ سند و با اصل قرار دادن کتاب‌های رجالی اهل سنت مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. در بررسی صورت گرفته از این ۳۶۹ روایت:

۱. ۲۴۳ روایت (۶۵/۸ درصد) ضعیف؛

۲. ۱۰۵ روایت (۲۸/۵ درصد) حسن؛

۳. ۲۱ روایت (۵/۷ درصد) صحیح ارزیابی شد (برای نمونه، تعدادی از این روایات در

ادامه بررسی سندی خواهند شد).

→ (آمار استنباطی). جامعه آماری عبارت است از مجموعه تمام افراد، گروه‌ها، اشیا و یا رویدادهایی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک باشند. تعداد اعضای جامعه را حجم یا اندازه جامعه می‌نامند و با حرف بزرگ N نشان می‌دهند. نمونه آماری گروه کوچک‌تری از جامعه است که طبق ضابطه‌ای معین برای مشاهده و تجزیه و تحلیل انتخاب می‌شود و باید معرف جامعه باشد (همان، ص ۱۷۷).

۱. نمونه‌گیری تصادفی یکی از روش‌های نمونه‌گیری است که در آن احتمال انتخاب شدن برای همه اعضای جامعه یکسان و معلوم است و هیچ عاملی جز شانس و تصادف در انتخاب شدن افراد نمونه از جامعه دخالت ندارد.

با توجه به این که تعداد روایاتی که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، براساس روش علمی بوده و معرف جامعه هستند، لذا این نتیجه را با احتساب اندکی اختلاف، می‌توان به کل مجموعه حدیثی مورد بررسی (المعجم الاوسط طبرانی) تعمیم داد. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که در خصوص روایات مفرد و غریب، حق با احمد بن حنبل است که در این باره گفته است:

از نوشتن این احادیث غریب بپرهیزید که اکثراً منکر بوده و غالباً از راویان ضعیف نقل شده است.^۱

در جدول ذیل، تعداد و درصد روایات المعجم الاوسط از حیث صحت سند نشان داده شده است:

درصد روایات	فراوانی (تعداد روایت)	
۶۵ / ۸	۲۴۳	ضعیف
۲۸ / ۵	۱۰۵	حسن
۵ / ۷	۲۱	صحیح
۱۰۰ / ۰	۳۶۹	Total

جدول شماره ۱: (درصد اعتبار احادیث المعجم الاوسط از حیث سندی)

ملاک تعیین احادیث مفرد در این پژوهش: برای این که حدیثی به عنوان حدیث مفرد شناخته شود، می‌توان دوروش را مد نظر قرار داد: اول، تصریح یکی از بزرگان علم حدیث بر مفرد بودن روایت؛ دوم، فحص و بررسی کامل در کتب حدیثی توسط محقق، با استفاده از نرم افزارهای حدیثی موجود. ملاک تشخیص حدیث مفرد در این پژوهش، نظر «سلیمان بن احمد طبرانی» است که از مشاهیر محدثین و حفاظ اهل سنت است.^۲ همان طور که گفته شد، روش طبرانی در کتاب به این صورت است که پس از درج هر حدیث، توضیحاتی درباره طرق حدیث ارائه می‌نماید؛ به عنوان مثال در انتهای حدیث [اگر مفرد باشد] عبارت «لَمْ يَرَوْ هَذَا الْحَدِيثَ عَنِ الْفُلَانِي إِلَّا الْفُلَانِي إِلَّا بِهَذَا الْإِسْنَادِ،

۱. لَا تَكْتُبُوا الْغَرَائِبَ فَإِنَّهَا مَنَاقِبٌ وَغَالِبُهَا عَنِ الضُّعَفَاءِ (التقریرات السنیه شرح المنظومة البيقونية فی مصطلح الحديث، ص ۶۵).

۲. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۵۳. همچنین ابن خلکان درباره او می‌گوید: «حافظ عصر خود بود» (وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، ج ۲، ص ۴۰۷).

تَفَرَّدَ بِهِ: الفلانی» را درج کرده است. البته برای راستی آزمایی، برخی از روایاتی که طبرانی درباره آن‌ها ادعای مفرد بودن داشته، توسط محققین پژوهش حاضر، از طریق نرم افزارهای حدیثی، مورد بررسی قرار گرفت و صحت ادعای طبرانی مشخص شد.

در این تحقیق روایانی که براساس نظر طبرانی، غیر از آن‌ها، راوی دیگر روایت مورد نظر را نقل کرده و یا حدیث بر آن‌ها متفرد شده بود، جدا شدند. اعتبار هر راوی براساس منابع رجالی اهل سنت مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و سپس تعداد روایات مفرد هر یک از این راویان، در این اثر حدیثی، مشخص شد؛ به عنوان نمونه:

- از «أَبُو بَكْرٍ بْنُ شُعَيْبٍ» یک روایت^۱ در المعجم الاوسط آورده شده و آن هم مفرد است. این روایت به دلیل مجهول بودن «أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَالِدِ بْنِ حَيَّانَ» از نظر سندی ضعیف ارزیابی گردید.^۲

- از «أَبُو عُمَرَ الْأَوْقَصِ» دو روایت در المعجم الاوسط آورده شده و هر دو مفرد هستند. روایت اول،^۳ به دلیل ضعف «أحمد بن محمد بن یحیی بن حمزة بن واقد»^۴ و مجهول بودن «أَبُو عُمَرَ الْأَوْقَصِ»؛ و روایت دوم^۵ به دلیل مجهول بودن «عَبْدُ وُسُّ بْنُ دِيْرَوَيْهِ الرَّازِي» و «أَبُو

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَالِدِ بْنِ حَيَّانَ قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ عَبَّادَ قَالَ: نَأْهَيْتُ بَكْرِيْنَ شُعَيْبِ، عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ الشَّرِيدِ، عَنْ فَاطِمَةَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيْقِ لَمْ يَزَلْ بِيْرَى خَيْرًا» لَمْ يَزُوهَذَا الْحَدِيثَ عَنْ مَالِكٍ إِلَّا أَبُو بَكْرٍ بْنُ شُعَيْبٍ (المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۳۹).

۲. دیگر روایان این روایت (با اصل قرار دادن آرای رجالی اهل سنت) موثق هستند: عَمْرِو بْنِ الشَّرِيدِ: ثقة (تهذيب التهذيب، ج ۸، ص ۴۸)؛ زُهْرِي: ثقة (همان، ج ۹، ص ۴۴۵)؛ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ: ثقة (همان، ج ۱۰، ص ۵)؛ أَبُو بَكْرٍ بْنُ شُعَيْبٍ: ثقة (تهذيب الكمال في أسماء الرجال، ج ۳۳، ص ۹۶)؛ زُهَيْرُ بْنُ عَبَّادٍ: ثقة (لسان الميزان، ج ۲، ص ۴۹۲).

۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ عَائِدِ، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ مُسْلِمِ، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ عُمَرَ الْأَوْقَصِ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «لَا تَزَالُونَ تَقَاتِلُونَ الْكُفْرَ حَتَّى تُقَاتِلُونَ قَوْمًا صَغَارَ الْأَعْيُنِ، ذُلُّفَ الْأَنْوْفِ، كَأَنَّ وُجُوهُهُمْ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ» لَمْ يَزُوهَذَا الْحَدِيثَ عَنِ الزُّهْرِيِّ إِلَّا أَبُو عُمَرَ الْأَوْقَصِ (المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۱۹).

۴. اخبرنا ابوالجهم، عنه بأحاديث بواطيل، عن أبيه، عن جده، عن مشايخ ثقات لا يحتملونها (تاريخ مدينة دمشق، ج ۵، ص ۴۶۷).

۵. حَدَّثَنَا عَبْدُ وُسُّ بْنُ دِيْرَوَيْهِ الرَّازِي، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ عُنْبَةَ الدِّمْشَقِي، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ مُسْلِمِ، قَالَ: نَأْهَيْتُ بُنَّ عُمَرَ الْأَوْقَصِ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَهَمَمْتُ أَنْ أَمُرَّ بِحَطْبٍ فَيُحَطَّبَ، ثُمَّ أَمُرَّ بِالصَّلَاةِ فَيُؤَدَّنَ بِهَا، ثُمَّ أَمُرَّ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أُخَالِفَ عَلَى رِجَالٍ فَأُحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتُهُمْ بِالنَّارِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ عَلِمَ أَحَدُهُمْ أَنَّهُ يَجِدُ عَظْمًا سَمِينًا، أَوْ مِرْمَاتَيْنِ حَسَنَتَيْنِ لَشَهَدَ صَلَاةَ الْعِشَاءِ» لَمْ يَزُوهَذَا الْحَدِيثَ عَنِ الزُّهْرِيِّ إِلَّا أَبُو عُمَرَ الْأَوْقَصِ (المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۴).

عُثْمَانَ الْأَوْقَصَ «ضعیف هستند»^۱.

- از «يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ» چهار روایت مفرد در «المعجم الاوسط» نقل شده که از این چهار روایت، سه روایت صحیح و دو روایت حسن هستند.^۲
- از «عُقَيْرُ بْنُ مَعْدَانَ» پنج روایت^۳ مفرد در «المعجم الاوسط» آورده شده که همه به دلیل

۱. سایر روایان این دو روایت موثق هستند: عبد الرحمن بن هرمز الأعرج: ثقة (تهذيب التهذيب، ج ۶، ص ۲۹۰)؛ زُهْرِي: ثقة (همان، ج ۹، ص ۴۴۵)؛ وَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ: ثقة (تاريخ مدينة دمشق، ج ۶۳، ص ۲۸۶)؛ محمد بن عائذ الدمشقي (همان، ج ۵۳، ص ۲۹۲)؛ وَلِيدُ بْنُ عُتْبَةَ الدِّمَشْقِيُّ: ثقة (تهذيب الكمال، ج ۳۱، ص ۴۹).

۲. این چهار روایت عبارت اند از:

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ نَجْدَةَ الْحَوْطِيُّ قَالَ: نَا يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ، قَالَ: نَا سَعِيدُ بْنُ زَيْدِ بْنِ ذِي عَصَوَانَ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي بُرْدَةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «أَمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، لَا عَذَابَ عَلَيْهَا فِي الْأَخِرَةِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، دُفِعَ إِلَى كُلِّ رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ، فَيُقَالُ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا فِدَاؤُكَ مِنَ النَّارِ لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ إِلَّا سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ، وَلَا عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ إِلَّا يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ (المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۵) (حسن).

۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ قَالَ: نَا يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ قَالَ: نَا عَلِيُّ بْنُ حَوْشَبٍ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا، إِلَّا لِدُكْرٍ أَوْ صَلَاةٍ» لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ سَالِمٍ إِلَّا أَبُو قَبِيلٍ الْمَعَاوِيُّ وَاسْمُهُ: حُيَيْبُ بْنُ هَانِيٍّ، وَلَا عَنْ أَبِي قَبِيلٍ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ حَوْشَبٍ. تَفَرَّدَ بِهِ: يَحْيَى بْنُ صَالِحٍ (همان، ج ۱، ص ۱۴) (حسن، ۳۱).

۳. حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَمْرِو أَبُو زُرْعَةَ قَالَ: نَا يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ قَالَ: نَا مُعَاوِيَةُ بْنُ سَلَامٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي إِسْحَاقَ، أَنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي بَكْرَةَ أَخْبَرَهُ. أَنَّ أَبَا بَكْرَةَ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَنْ بَيْعِ الْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ، إِلَّا عَيْنًا يَعْينُ، - سِوَاءَ بِسِوَاءٍ، وَ عَنْ بَيْعِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ، إِلَّا عَيْنًا يَعْينُ، وَسِوَاءَ بِسِوَاءٍ»، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بِيعُوا الذَّهَبَ بِالْفِضَّةِ كَيْفَ شِئْتُمْ، وَالْفِضَّةَ بِالذَّهَبِ كَيْفَ شِئْتُمْ» لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ إِلَّا مُعَاوِيَةُ بْنُ سَلَامٍ، تَفَرَّدَ بِهِ: يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ (همان، ج ۵، ص ۵۳) (حسن).

۴. حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ قَالَ: نَا يَحْيَى بْنُ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ قَالَ: نَا سَلْمَةُ بْنُ كُلْثُومٍ، عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي سَلْمَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَلَيَّ جَنَازَةً، فَكَبَّرَ عَلَيْهَا أَرْبَعًا، ثُمَّ أَتَى الْقَبْرَ، فَحَتَّى عَلَيْهِ مِنْ قَبْلِ رَأْسِهِ ثَلَاثًا» لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ إِلَّا سَلْمَةُ بْنُ كُلْثُومٍ، تَفَرَّدَ بِهِ: يَحْيَى بْنُ صَالِحٍ (همان، ج ۵، ص ۶۳) (صحیح).

۳. این پنج روایت عبارت اند از:

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ: نَا أَبُو الْمُغِيرَةَ قَالَ: نَا عُقَيْرُ بْنُ مَعْدَانَ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «اسْتَخْلَفَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ عَلَى الْمَدِينَةِ مَرَّتَيْنِ، وَكَانَ أَعْمَى يُصَلِّي بِالنَّاسِ» لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ قَتَادَةَ إِلَّا عُقَيْرُ (همان، ج ۱، ص ۶).

۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ: نَا أَبُو الْمُغِيرَةَ قَالَ: نَا عُقَيْرُ بْنُ مَعْدَانَ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «صُرِفَتِ الْجَنَّةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) مَرَّتَيْنِ، وَكَانَ أَشْرَافَ الْجَنِّ بِنَصِيبِنِ». لَمْ يَزُوْهُدَا الْحَدِيثُ عَنْ قَتَادَةَ إِلَّا عُقَيْرُ (همان، ج ۱، ص ۶).

ضعف او،^۱ از نظر سندی ضعیف هستند.

همچنین برای این که بتوان اعتبار راوی را که یک متغیر کیفی بوده و قابل سنجش نیست، به متغیر کمی قابل سنجش تبدیل کرد، به اعتبار راوی، بر اساس مقیاس لیکرت^۲ از ۱ تا ۵ امتیاز داده شد؛ بدین صورت که به راویان موثق امتیاز ۵، به راویان ممدوح امتیاز ۴، به راویانی که هم مورد مدح و هم مورد ذم قرار گرفته اند (به عنوان راوی مقبول) امتیاز ۳، به راویان ضعیف و مجهول امتیاز ۲ و به راویان کذاب، متروک الحدیث و... امتیاز ۱ داده شد. نتیجه این بررسی ها در جدول ذیل قابل مشاهده است؛ با این توضیح که راویان با توجه به تعداد روایت مفردشان مرتب شده اند.

ردیف	نام راوی	تعداد روایت	رتبه	اعتبار
۱.	أَبُو بَكْرٍ بْنُ شُعَيْبٍ	۱	ثقة (تهذيب الكمال في أسماء الرجال، ج ۳۳، ص ۹۶)	۵
۲.	أَبُو الْمَلِيحِ الْحَسَنُ بْنُ عُمَرَ الرَّقِّيُّ	۱	ثقة (سير أعلام النبلاء، ج ۸، ص ۱۹۴)	۵
۳.	أَبُو طَرْفَةَ عَبَّادُ بْنُ الرِّبَّانِ اللَّخْمِيُّ	۱	صالح الحديث (تاريخ الإسلام، ج ۳، ص ۹۰۳)	۴
۴.	أَبُو مَشْجَعَةَ بْنِ رَبِيعِ الْجُهَنِيِّ	۱	مقبول (الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۷، ص ۳۹۲)	۳
۵.	أَبُو مَهْدِيٍّ سَعِيدُ بْنُ سِنَانٍ	۱	متروك الحديث (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۴، ص ۴۰۰)	۱

→ ۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ قَالَ: نَأْبُو جَعْفَرٍ قَالَ: نَأْبُو عَفَيْرِ بْنِ مَعْدَانَ، عَنْ شَلِيمِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)

مَسَحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ وَالْعِمَامَةِ فِي عَزْوَةِ تَبُوكَ «لَمْ يَزِدْ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ شَلِيمٍ إِلَّا عَفَيْرٌ (همان، ج ۲، ص ۲۱).

۴. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ قَالَ: نَأْبُو هِشَامِ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: نَأْبُو لَيْلِدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَأْبُو عَفَيْرِ بْنِ مَعْدَانَ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ عِكْرَمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: «الدَّجَالُ أَحْمَرُ هِجَانٌ، ضَخْمٌ قَيْلَوِيٌّ، كَأَنَّ شَعْرَ رَأْسِهِ أَغْصَانُ شَجَرَةٍ، كَأَنَّ عَيْنَهُ كَوْكَبُ الصُّبْحِ، فَسَبَّهْتُهُ بِعَبْدِ الْعُرَى بْنِ قَطَنِ، مِنْ خُرَاعَةَ» لَمْ يَزِدْ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ قَتَادَةَ إِلَّا عَفَيْرٌ (همان، ج ۲، ص ۱۸۰).

۵. حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَمْرٍو أَبُو رَزَعَةَ قَالَ: نَأْبُو يَحْيَى بْنِ صَالِحِ الْوُحَاظِيِّ قَالَ: نَأْبُو عَفَيْرِ بْنِ مَعْدَانَ قَالَ: نَأْبُو عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ التَّمِيمَةَ وَالْحَقْدُ فِي النَّارِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ مُنْطَلِقٍ» لَمْ يَزِدْ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ إِلَّا عَفَيْرُ بْنُ مَعْدَانَ (همان، ج ۵، ص ۵۴).

۱. حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عِصْمَةَ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي يَحْيَى سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ عَفِيرُ بْنُ مَعْدَانَ مِنْكَرُ الْحَدِيثِ ضَعِيفٌ (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۹۷).

۲. در همه تحقیقات مربوط به علوم انسانی، برای بررسی روابط بین دو موضوع (متغیر) کیفی، نیاز است که ابتدا آن موضوعات به صورت کمی درآمده تا قابل سنجش گردند. به همین منظور از مقیاس های اندازه گیری استفاده می شود. طیف لیکرت (Likert Scale) از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری متغیرهای کیفی مثل نگرش است (روش های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۱۵۴). در این تحقیق نیز، نگرش رجالیون اهل سنت نسبت به یک راوی بر اساس این مقیاس اندازه گیری شده است.

ردیف	نام راوی	تعداد روایت	رتبه	اعتبار
۶.	أبي إدريس الخولاني	۱	ثقة (تاريخ دمشق، ج ۲۶، ص ۱۶۱)	۵
۷.	أبي وهب عبيد الله بن عبيد الكلاعي	۱	حسن الحديث (الجرح والتعديل، ج ۵، ص ۳۲۶)	۴
۸.	إسماعيل بن عبيد الله	۱	ثقة (المعجم الصغير لرواة ابن جرير الطبري، ج ۱، ص ۵۳)	۵
۹.	أم الشعثاء	۱	مجهول الحال (رجال الحاكم في المستدرک، ج ۲، ص ۴۳۵)	۲
۱۰.	جابر بن سليم الزرقني	۱	ثقة (الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۵۰۱)	۵
۱۱.	حازم بن عطاء البصري	۱	متهم بالكذب (تهذيب الكمال، ج ۳۳، ص ۲۸۶)	۱
۱۲.	الحكم بن يعلى بن عطاء المحاربي	۱	منكر الحديث (مختصر الكامل في الضعفاء، ج ۱، ص ۲۴۱)	۱
۱۳.	حماد بن سلمة	۱	ثقة (موسوعة أقوال ابن حنبل في رجال، ج ۱، ص ۳۰۱)	۵
۱۴.	حميد بن عتبة بن رومان	۱	مقبول (مختصر تاريخ دمشق، ج ۷، ص ۲۷۵)	۳
۱۵.	حیی بن هانی المعافری	۱	ثقة (مغاني الأخیار، ج ۱، ص ۲۶۰)	۵
۱۶.	سليمان بن عطاء	۱	متروك الحديث (إكمال تهذيب الكمال، ج ۶، ص ۷۸)	۱
۱۷.	شريك بن عبد الله القاضي	۱	ضعيف (سير أعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۸۹)	۲
۱۸.	شعيب بن أبي حمزة	۱	ثقة (الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۳۴۵)	۵
۱۹.	شعيب بن الليث الفهمي	۱	ثقة (تاريخ ابن يونس المصري، ج ۱، ص ۳۲۵)	۵
۲۰.	الصلت بن عبد الرحمن	۱	مقبول (لسان الميزان، ج ۳، ص ۱۹۶)	۲
۲۱.	عبد بن راشد	۱	ثقة (تجريد الأسماء والكنى، ج ۲، ص ۷۷)	۳
۲۲.	عبد الرحمن بن عبد الله بن عبيد	۱	ثقة (تهذيب الكمال في أسماء الرجال، ج ۱۷، ص ۲۱۹)	۵
۲۳.	عبد السلام بن حرب بن سلم	۱	ثقة (تاريخ الثقات، ص ۳۰۳)	۵
۲۴.	عبد القدوس بن الحجاج الخولاني	۱	ثقة (الوافي بالوفيات، ج ۱۹، ص ۴۲)	۵
۲۵.	عبد الله بن زريق	۱	مقبول (ميزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۲۲)	۳
۲۶.	عثمان بن كليب	۱	مجهول	۲
۲۷.	عرفطة بن أبي الحارث	۱	مجهول	۲
۲۸.	علي بن حوشب	۱	ثقة (تاريخ الثقات، ص ۳۴۶)	۵
۲۹.	كثير بن شظير	۱	حسن الحديث (تهذيب الكمال، ج ۲۴، ص ۱۲۳)	۴

ردیف	نام راوی	تعداد روایت	رتبه	اعتبار
۳۰.	كثير بن مروان	۱	ضعيف الحديث (ديوان الضعفاء، ج ۱، ص ۴۷۶)	۲
۳۱.	مالك بن سعيد بن الخمس	۱	صدوق (التعديل والتجريح، ج ۲، ص ۷۰۳)	۴
۳۲.	مجاهد بن عمرو الأسدي	۱	منكر الحديث (رجال الحاكم في المستدرک، ج ۲، ص ۱۴۷)	۱
۳۳.	مسلمة بن عبد الله الجهني	۱	مقبول (نالي تلخيص المتشابه، ج ۱، ص ۱۲۴)	۳
۳۴.	مسلمة بن عمرو القاضي	۱	ثقة (نشر الصحيفة، ج ۱، ص ۳۴۷)	۵
۳۵.	هشام بن سعد	۱	مجهول	۲
۳۶.	يحيى بن إسحاق السيلحي	۱	ثقة (طبقات الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۳)	۵
۳۷.	يحيى بن حمزة الحضرمي	۱	ثقة رمى بالقدر (معاني الأخبار، ج ۳، ص ۲۰۴)	۵
۳۸.	يحيى بن عبد الله بن بكير	۱	ثقة (الثقات، ج ۹، ص ۲۶۲)	۵
۳۹.	يزيد بن سعيد بن ذي عسوان	۱	ثقة (تاريخ الإسلام، ج ۴، ص ۵۴۷)	۵
۴۰.	أبو عثمان الأوقص	۲	مجهول	۲
۴۱.	أبو معمر عباد بن عبد الصمد	۲	متهم بالوضع (لسان الميزان، ج ۷، ص ۱۰۸)	۱
۴۲.	أزطاة بن المنذر	۲	ثقة (الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۳۲۷)	۵
۴۳.	الجرّاح بن مليح	۲	ثقة (تاريخ بغداد، ج ۸، ص ۱۸۲)	۴
۴۴.	سعيد بن سنان	۲	متهم بالوضع (المغني في الضعفاء، ج ۱، ص ۲۶۱)	۱
۴۵.	عبد الصمد بن حسان	۲	متروك (بحر الدم، ج ۱، ص ۹۹)	۱
۴۶.	مبشر بن عبيد	۲	متروك الحديث (المغني في الضعفاء، ج ۲، ص ۵۴۱)	۱
۴۷.	يحيى بن عبد الملك بن أبي غنبة	۲	ثقة (ذكر أسماء التابعين، ج ۲، ص ۲۷۹)	۵
۴۸.	عبد الله بن العلاء	۳	ثقة (لسان الميزان، ج ۷، ص ۴۹۹)	۵
۴۹.	يحيى بن صالح الوحاظي	۴	ثقة (الثقات، ج ۴، ص ۱۲۶).	۵
۵۰.	إسحاق بن إبراهيم الحنظلي	۴	ضعيف (مختصر الكامل في الضعفاء، ص ۱۵۳)	۲
۵۱.	صفوان بن عمرو	۴	ثقة (الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۴۲۲)	۵
۵۲.	الصنحاح بن حمرة	۴	ضعيف الحديث (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۵، ص ۱۵۴)	۲
۵۳.	عباد بن عبد المهيبي	۴	ثقة (الجرح والتعديل، ج ۶، ص ۸۳)	۵
۵۴.	الوليد بن عباد	۴	مجهول	۲
۵۵.	عقير بن معدان	۵	منكر الحديث (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۹۷)	۱

ردیف	نام راوی	تعداد روایت	رتبه	اعتبار
۵۶	أَبُو بَكْرٍ الدَّاهِرِيُّ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَكِيمٍ	۵	متهم بالوضع (تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۱۰)	۱
۵۷	الْحَسَنُ بْنُ يَحْيَى الْخُسَيْنِيُّ	۵	منكر الحديث (تهذيب الكمال، ج ۶، ص ۳۴۱)	۱
۵۸	مُعَاوِيَةُ بْنُ يَحْيَى	۵	ثقة (تاريخ الإسلام، ج ۴، ص ۱۲۷۳)	۵
۵۹	نُوحُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ	۵	كذاب (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۸، ص ۲۹۳)	۱
۶۰	أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ	۶	ضعيف (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۲۰۷)	۲
۶۱	إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبَّاسٍ	۶	صدوق في روايته عن أهل بلده (سير أعلام، ج ۷، ص ۴۶۷)	۳
۶۲	الْحَجَّاجُ بْنُ أَرْطَاةَ	۶	كثير الخطأ والتدليس (سير أعلام، ج ۶، ص ۱۹۱)	۲
۶۳	حَفْصُ بْنُ سُلَيْمَانَ	۶	متروك (خلاصة تذهيب تهذيب الكمال، ج ۱، ص ۸۷)	۱
۶۴	خَالِدُ بْنُ زَيْدِ الْقَسْرِيِّ	۶	ضعيف (الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۴۲۹)	۲
۶۵	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَشْرَسَ	۶	مجهول	۲
۶۶	عَلِيُّ بْنُ عَبَّاسٍ	۶	ثقة (الثقات، ج ۸، ص ۴۶۰)	۵
۶۷	الأَوْزَاعِيُّ	۷	ثقة	۵
۶۸	مُسْلِمَةُ بْنُ عَلِيٍّ	۸	متروك (التاريخ الكبير، ج ۷، ص ۳۸۸)	۱
۶۹	إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُثْمَانَ	۱۰	متروك الحديث (تاريخ بغداد، ج ۷، ص ۲۱)	۱
۷۰	رَوْحُ بْنُ صَالِحٍ	۱۰	ضعيف (نثر النبال بمعجم الرجال، ج ۱، ص ۶۰۳)	۲
۷۱	مُعَاوِيَةُ بْنُ سَلَامٍ	۱۰	ثقة (الثقات، ج ۷، ص ۴۶۹)	۵
۷۲	بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيدِ	۱۳	كثير التدليس عن الضعفاء (طبقات المدلسين، ج ۱، ص ۴۹)	۲
۷۳	سُوَيْدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ	۱۸	ضعيف الحديث (تهذيب التهذيب، ج ۴، ص ۲۷۶)	۲
۷۴	عبد الله بن لهيعة الحضرمي	۲۸	ضعيف (تهذيب الكمال، ج ۱۵، ص ۴۹۹)	۲
۷۵	مُوسَى بْنُ أَعْيَنَ	۲۸	ثقة (إكمال تهذيب الكمال، ج ۱۲، ص ۹)	۵

جدول شماره ۲: (نتایج بررسی اعتبار و تعداد روایات راویان حدیث مفرد در المعجم الاوسط)

بعد از مشخص شدن اعتبار و تعداد روایات راویان حدیث مفرد در المعجم الاوسط، این راویان در سه دسته زیر تقسیم شدند:

دسته یکم. راویانی که از آن‌ها فقط یک روایت مفرد در المعجم الاوسط یافت شد.

دسته دوم. راویانی که از آن‌ها بین یک تا پنج روایت مفرد در المعجم الاوسط یافت شد.

دسته سوم. راویانی که از آن‌ها تعداد ۵ و یا بیشتر روایت مفرد در المعجم الاوسط یافت شد.

در جدول شماره ۳ تعداد و درصد فراوانی راویان هر یک از سه دسته فوق و در جدول

شماره ۴ میانگین اعتبار راویان هر دسته نشان داده شده است:

		تعداد راویان هر دسته	درصد فراوانی هر دسته
Valid	دسته اول (۱ روایت)	39	37.9
	دسته دوم (۱ تا ۵ روایت)	16	15.5
	دسته سوم (بیش از ۵ روایت)	20	19.4

جدول شماره ۳ (تعداد و درصد فراوانی راویان هر دسته)

Descriptive Statistics

	تعداد راوی هر دسته	میانگین اعتبار راویان هر دسته
میانگین اعتبار دسته اول	39	3.5897
میانگین اعتبار دسته دوم	16	3.1375
میانگین اعتبار دسته سوم	20	2.5000

جدول شماره ۴ (میانگین اعتبار راویان هر دسته)

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲، میانگین اعتبار راویان احادیث مفرد، با افزایش تعداد احادیث آن‌ها کاهش یافته است؛ به طوری که از میانگین اعتبار در دسته اول (راویانی که از آن‌ها تنها یک حدیث مفرد در المعجم الاوسط نقل شده) از 3.5897، به 3.1375 در دسته دوم و از این میزان به 2.5000 در دسته سوم تنزل داشته است. به عبارت دیگر، با استفاده از این نتیجه می‌توان با اطمینان ۱۰۰٪ گفت: «در بررسی این ۳۶۹ روایت مشخص شد که بین تعداد احادیث مفرد با اعتبار راویان، ارتباط عکس وجود دارد؛ یعنی با افزایش تعداد روایات مفرد، اعتبار راویان این احادیث کاهش می‌یابد»؛ اما در اینجا این سؤال مطرح است که آیا می‌توان این نتیجه را به کل احادیث «المعجم الاوسط» تعمیم داد؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است از آمار استنباطی^۱ استفاده شود که برای آن، نیاز به ارائه فرضیه است. فرضیه اصلی این تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود: «بین تعداد احادیث مفرد یک اثر حدیثی با اعتبار راویان اثر، ارتباط معناداری وجود دارد». برای بررسی این

۱. آمار استنباطی، به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها ویژگی‌های جامعه به کمک نمونه استنباط می‌شوند. به بیان دیگر، هدف از کاربرد آمار استنباطی آن است که از نمونه کوچکی، ویژگی جامعه که نمونه از آن انتخاب شده است برآورد یا «استنباط» شود (آمار و احتمال کاربردی، ص ۱۴).

فرضیه، نیاز به انجام آزمون فرض آماری^۱ است. در علم آمار، آزمون‌های آماری متعددی وجود دارد و برای بررسی فرضیات تحقیق باید آزمون آماری مناسب انتخاب گردد. برای بررسی فرضیه مطرح شده در این تحقیق، نیاز است که از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA استفاده شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای فهمیدن این‌که آیا بین میانگین اعتبار راویان سه دسته تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر، لازم است از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA استفاده شود. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA تأثیر یک متغیر گسسته دارای بیش از دو سطح را بر روی یک متغیر پیوسته مورد ارزیابی قرار می‌دهد.^۲ به عبارت دیگر، برای انجام آزمون مقایسه میانگین بین دو یا چند جامعه آماری مستقل، می‌توان از روش «آنالیز واریانس» (ANOVA) استفاده کرد. در آزمون آنالیز واریانس فرضیه‌های آزمون به صورت زیر نوشته می‌شوند.

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_k \\ \text{حداقل یکی از میانگین‌ها مخالف دیگر میانگین‌ها باشد: } H_1 \end{cases}$$

فرض H_0 بدان معنا است که بین میانگین اعتبار راویان هر سه دسته اختلاف معناداری وجود نداشته و فرضیه تحقیق رد شده است. به عبارت دیگر، یعنی «بین تعداد احادیث مفرد یک اثر حدیثی با اعتبار راویان اثر، ارتباط معناداری وجود ندارد». فرض H_1 خلاف فرض H_0 بوده و بدین معناست که حداقل میانگین اعتبار راویان یک دسته با میانگین اعتبار راویان دو دسته دیگر متفاوت است. در واقع، برای این تحقیق فرض آماری به صورت ذیل تعریف می‌شود که از طریق نرم افزار بررسی خواهد شد و یکی از آن‌ها رد و دیگری قبول شده و در نتیجه وضع فرضیه مطرح شده در تحقیق مشخص می‌گردد:

$$\begin{cases} \text{میانگین اعتبار هر سه دسته از راویان یکسان است: } H_0 \\ \text{حداقل میانگین اعتبار راویان یک دسته با میانگین اعتبار راویان دو دسته دیگر: } H_1 \\ \text{متفاوت است.} \end{cases}$$

۱. آزمون فرض آماری (Statistical hypothesis testing) در علم آمار روشی است برای بررسی ادعاها یا فرض‌ها. در این روش دو فرض در نظر گرفته می‌شود: فرض صفر (Null-hypothesis) و فرض بدیل (Alternative-hypothesis). آزمون یک فرض آماری عبارت از به کار گرفتن مجموعه قواعد صریحی برای آن است که تصمیم بگیریم که آیا فرض صفر را بپذیریم یا آن را به نفع فرض مقابل رد کنیم (همان، ص ۲۴).

۲. راهنمای نرم افزار آماری SPSS، ص ۱۹۵.

نتیجه آزمون فوق در نرم افزار آماری spss به شرح جدول ذیل است:

ANOVA

اعتبار راوی

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	16.707	2	8.353	3.244	.045
Within Groups	185.373	72	2.575		
Total	202.080	74			

جدول شماره ۵: (نتیجه آزمون)

ملاک تصمیم‌گیری در جدول فوق، مقدار سطح معناداری Sig است؛ بدین صورت که اگر $Sig < /050$ باشد، فرض H_0 رد و اگر $Sig > /050$ باشد فرض H_1 رد خواهد شد. 050 مقدار خطای آزمون است. در جدول فوق $Sig = 0/045 < /050$ بود و لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود که بدان معناست که حداقل میانگین اعتبار راویان یک دسته با میانگین اعتبار راویان دو دسته دیگر دارای تفاوت معناداری است.

برای تعیین این‌که میانگین اعتبار راویان کدام دسته نسبت به دسته‌های دیگر متفاوت است از روش LSD در آزمون آماری One-Way ANOVA استفاده می‌شود که در آن میانگین اعتبار راویان هر دسته با دسته دیگر به صورت دو به دو مقایسه خواهد شد. نتیجه آزمون با استفاده از نرم‌افزار به شرح جدول ذیل است:

Multiple Comparisons

اعتبار راوی: Dependent Variable

LSD

(I) VAR00003	(J) VAR00003	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
اول	دوم	.65224	.47637	.175	-.2974	1.6019
	سوم	1.08974*	.44130	.016	.2100	1.9695
دوم	اول	-.65224	.47637	.175	-1.6019	.2974
	سوم	.43750	.53819	.035	-.6354	1.5104
سوم	اول	-1.08974*	.44130	.016	-1.9695	-.2100
	دوم	-.43750	.53819	.035	-1.5104	.6354

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

جدول شماره ۶ (نتیجه آزمون LSD)

۱. سطح معناداری که در نرم‌افزار SPSS به اختصار با (Sig) نشان داده می‌شود، میزان خطایی است که در رد فرض صفر مرتکب می‌شویم. در تحقیقات علوم انسانی این مقدار $0/05$ تعیین گردیده و برای رد فرض صفر، باید کمتر از $0/05$ باشد.

ملاک تصمیم‌گیری در جدول فوق نیز، مقدار سطح معناداری Sig است؛ بدین صورت که اگر $Sig < 050$ باشد؛ یعنی میانگین دسته مورد نظر با میانگین دسته مورد مقایسه متفاوت است.

در جدول فوق، Sig مربوط به مقایسه بین میانگین دسته سوم با میانگین دسته اول و دوم، کمتر از 050 بوده و بدان معناست که میانگین اعتبار راویان دسته سوم نسبت به میانگین اعتبار راویان دسته اول و دوم دارای تفاوت معناداری است.

به عبارت دیگر، اختلاف بین میانگین اعتبار راویان دسته اول (راویان یک روایت مفرد) با میانگین اعتبار راویان دسته دوم (راویان کمتر از پنج روایت مفرد)، معنادار نیست و لذا اعتبار راویان هر دو دسته برابر است؛ اما این تغییر نسبت به میانگین اعتبار راویان دسته سوم معنادار است؛ یعنی با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت که با افزایش تعداد روایات مفرد (از پنج روایت به بالا)، میانگین اعتبار راویان این احادیث به طور معناداری کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

مفرد حدیثی است که در برخی طبقات خود منحصر به نقل راوی خاص بوده و دیگر راویان آن را روایت نکرده‌اند. برخی دانشمندان حدیثی اهل سنت، حدیث مفرد را شاذ هم نامیده‌اند. برخی دیگر نیز قایل به آن هستند که لازم است در حدیث مفرد توقف نموده و به آن احتجاج نشود. حال، اگر از یک راوی تعداد قابل توجهی حدیث مفرد نقل گردد، این سؤال مطرح خواهد شد که چگونه ممکن است این احادیث را راوی دیگری نشنیده باشد؟ لذا می‌توان در وثاقت وی تردید نمود. در این تحقیق، برای بررسی ادعای مذکور، کتاب المعجم الاوسط طبرانی - که غالب احادیث آن مفرد است - به عنوان اثر حدیثی مورد پژوهش انتخاب و ۳۶۹ روایت آن به روش نمونه‌گیری ساده برگزیده شد. سپس راویانی که غیر از آن‌ها، راوی دیگر روایت مورد نظر را نقل نکرده و یا بر اساس نظر طبرانی، حدیث بر آن‌ها متفرد شده بود، جدا شدند. اعتبار هر راوی بر اساس منابع رجالی اهل سنت مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و تعداد روایات مفرد هر یک از این راویان در این اثر حدیثی (المعجم الاوسط) مشخص و به اعتبار راوی، از یک تا پنج (بر اساس میزان وثاقت) امتیاز داده شد. بعد از مشخص شدن اعتبار و تعداد روایات راویان حدیث مفرد در المعجم الاوسط، این راویان در سه دسته زیر تقسیم شدند:

دسته یکم. روایانی که از آن‌ها فقط یک روایت مفرد در المعجم الاوسط نقل شده است. دسته دوم. روایانی که از آن‌ها بین یک تا پنج روایت مفرد در المعجم الاوسط نقل شده است.

دسته سوم. روایانی که از آن‌ها تعداد پنج و یا بیشتر روایت مفرد در المعجم الاوسط نقل شده است.

برای فهمیدن این‌که آیا بین میانگین اعتبار روایان سه دسته تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید که نتیجه آن به شرح ذیل است: بین میانگین اعتبار روایان دسته اول (روایان یک روایت مفرد) با میانگین اعتبار روایان دسته دوم (روایان کمتر از پنج روایت مفرد)، تفاوت معنادار وجود ندارد و لذا اعتبار روایان هر دو دسته برابر است؛ اما این اختلاف در مقایسه با میانگین اعتبار روایان دسته سوم معنادار است؛ یعنی با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت که با افزایش تعداد روایات مفرد (از پنج روایت به بالا)، میانگین اعتبار روایان این احادیث به طور معناداری کاهش می‌یابد.

کتابنامه

- الجرح و التعديل، عبد الرحمن بن أبي حاتم ابن ابی حاتم، دائرة المعارف العثمانية، ۱۹۵۲م.
- معرفة أنواع علوم الحديث و يعرف بمقدمة ابن الصلاح، ابن الصلاح عثمان بن عبد الرحمن، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۶ق.
- بحر الدم فيمن تكلم فيه الإمام أحمد بمدح أو ذم، يوسف بن حسن ابن المبرّد، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳ق.
- الثقات و يليه جامع فهارس الثقات، محمد بن حبان ابن حبان، دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۹۳ق.
- وفيات الأعيان و أبناء أبناء الزمان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم ابن خلکان، محقق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر.
- الكامل في ضعفاء الرجال، أبو أحمد بن عدی الجرجاني ابن عدی، بيروت: الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
- مختصر تاريخ دمشق، محمد بن مكرم بن علی ابن منظور، دمشق: دار الفكر للطباعة و التوزيع والنشر، ۱۴۰۲ق.

- تهذيب الكمال في أسماء الرجال، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبى الميزي أبو الحجاج، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ١٤٠٠ ش.
- تجريد الأسماء و الكنى المذكورة في كتاب المتفق و المقترق، أبو القاسم بن الفراء، اليمن: مركز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية و تحقيق التراث و الترجمة، ١٤٣٢ ق.
- الحديث و المحدثون، محمد محمد أبو زهو، بيروت: دار الفكر العربي، ١٣٧٨ ق.
- التعديل و التجريح لمن خرج له البخارى فى الجامع الصحيح، سليمان بن خلف باجى، الرياض: دار اللواء للنشر و التوزيع، ١٤٠٦ ش.
- نثر النبال بمعجم الرجال، أبو إسحق حوينى، مصر: دار ابن عباس، ٢٠١٢ م.
- خلاصة تذهيب تهذيب الكمال، صفى الدين خزرجى، بى جا: مكتب المطبوعات الإسلامية، ١٤١٦ ق.
- تالى تلخيص المتشابه دار الصمىعى، أحمد بن على بن ثابت خطيب بغدادى، الرياض: بى نا، ١٤١٧ ق.
- تاريخ بغداد أو مدينة السلام، الحافظ أبى بكر أحمد بن على خطيب بغدادى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
- ذكر أسماء التابعين و من بعدهم ممن صحت روايته عن الثقات عند البخارى و مسلم، على بن عمر دارقطنى، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤٠٦ ق.
- ديوان الضعفاء و المتروكين و خلق من المجهولين و ثقات فيهم لين، شمس الدين ذهبى، مكة: مكتبة النهضة الحديثة، ١٣٨٧ ق.
- سير أعلام النبلاء، شمس الدين ذهبى، مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ ق.
- المغنى فى الضعفاء، شمس الدين ذهبى، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ ق.
- تاريخ الإسلام وَ وفیات المشاهير وَ الأعلام، شمس الدين ذهبى، دار الغرب الإسلامى، ٢٠٠٣ م.
- ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محمد بن أحمد ذهبى، بيروت: دار المعرفة، ٢٠٠٩ م.
- أمار و احتمال كاردى، سعيد رضاخواه، تهران: انتشارات دانشگاه اميركبير، ١٣٩١ ش.
- روش هاى تحقيق در علوم رفتارى، زهره سرمد و عباس بازركان و الهه حجازى، تهران: نشر آگه، ١٣٨٥ ش.

- طبقات الحفاظ، جلال الدين سيوطي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٣ق.
- تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، جلال الدين سيوطي، بي جا: دار طيبة. ١٤١٧ق.
- الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن علي بن أحمد الجبعي العاملى شهيد ثاني، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامه، ١٤٠٨ق.
- راهنمای نرم افزار آماری *spss*، علي صادقي و فاطمه پوركريمي، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهي، ١٣٨٨ش.
- علوم الحديث و مصطلحه - عرض و دراسة، إبراهيم صبحي صالح، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الخامسة عشر، ١٩٨٤م.
- نهاية الدراية في شرح الوجيزه، سيدحسن صدر، نشرالمشعر.
- الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل بن أيبك صفدي، بيروت: دار إحياء التراث، ١٤٢٠ق.
- تيسير مصطلح الحديث، محمود طحان، مركز الهدى للدراسات، ٢٠٠٥م.
- تاريخ الثقات، أحمد بن عبد الله بن صالح عجلي، دار الباز، ١٤٠٥ق.
- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، الهند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ق.
- لسان الميزان، ابن حجر عسقلاني، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
- طبقات المدلسين تعريف أهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس، ابن حجر عسقلاني، عمان: مكتبة المنار، ١٤٠٣ق.
- مغاني الأختيار في شرح أسامي رجال معاني الآثار، بدر الدين عيني، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٧ق.
- المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جرير الطبري، أكرم زيادة فالوجي، الدار الأثرية، الأردن: دار ابن عفان، ٢٠١١م.
- قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، محمد جمال الدين بن محمد قاسمي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٥ق.
- درايه الحديث، كاظم مديرشانه چي، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ١٣٩٣ش.
- التاريخ الكبير، خليل محمود، حيدرآباد دكن: دائرة المعارف العثمانية، ٢٠١٠م.

- موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل فى رجال الحديث و عله، محمد خليل محمود، بيروت: عالم الكتب، ١٤١٧ق.
- التقريرات السنية شرح المنظومة البيقونية فى مصطلح الحديث، حسن بن محمد مشاط، بيروت: دار الكتب العربى، ١٤١٧ق.
- تاريخ ابن يونس المصرى، عبد الرحمن بن أحمد بن يونس الصدفى مصرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق.
- تاريخ عمومى حديث بارويكرد تحليلى، مجيد معارف، تهران: انتشارات كوير، چاپ دهم، ١٣٨٨ش.
- إكمال تهذيب الكمال، علاء الدين مغلطاي، بى جا: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، ١٤٢٢ق.
- مختصر الكامل فى الضعفاء، أحمد بن على بن عبد القادر مقريرى، مصر: مكتبة السنة، ١٤١٥ق.
- درايه الحديث، سيد رضا مودب، قم: مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى ﷺ، ١٣٩٦ش.
- دانشمندان و بزرگان اصفهان، مصلح الدين مهدوى، تصحيح، تحقيق و اضافات: رحيم قاسمى، محمد رضا نيل فروشان، اصفهان: گلدسته، ١٣٨٣ش.
- نشر الصحيفة فى ذكر الصحيح من أقوال أئمة الجرح و التعديل فى أبى حنيفة، مقبل بن هادى وادعى، القاهرة: دار الحرمين، ١٤٢٢ق.
- رجال الحاكم فى المستدرک، مقبل بن هادى وادعى، مكتبة صنعاء الأثرية، ١٤٢٥ق.